

انقلاب‌های رنگی در جمهوری‌های پسا شوروی؛ از آغاز تا امروز

فاطمه عطری^x

مقدمه

شوروی کشورهایی که تازه به استقلال دست یافته بودند، تلاش کردند که خود را از درگیری دور نگه دارند و با یکدیگر وارد جنگ و خشونت نشوند. لازمی دستیابی به چنین نتیجه‌ای، ثبات در سیاست‌ها، و لازمی ثبات در سیاست‌ها نیز ثابت ماندن مقامات سطح بالای کشور بود. به این ترتیب اگرچه بسیاری از این کشورها با یکدیگر اختلافات مرزی، مشکلات قومی و... داشتند، اما تلاش کردند این اختلافات را به شیوه مسالمت‌آمیز حل کنند. این نیاز به ثبات در سیاست‌ها کم‌کم موجب شد که رهبران این جمهوری‌ها تا حد زیادی سیاست‌های دوران شوروی را ادامه داده و قدرت را نیز انحصاری نمودند. در حقیقت رهبران این جمهوری‌ها که تقریباً همه‌ی آنها در زمان شوروی سابق دارای مسئولیت‌هایی در حزب کمونیست بودند، نوعی از حکومت مقتدرانه را بوجود آوردند که البته با انتخابات و فرآیندهایی برای تمدید دوره ریاست جمهوری این رهبران و مشروعیت بخشیدن به حضور آنها در قدرت همراه بود. این سیاست اگرچه در کوتاه مدت، امنیت و ثبات را برای آنها به همراه داشت، ولی در بلندمدت موجب رشد خصومت‌ها در جامعه گردید. (۲)

به این ترتیب بعد از گذشت پانزده سال از فروپاشی شوروی تحولاتی در این کشورها آغاز شد که می‌توان گفت این کشورها را در دوره‌ای از بی‌ثباتی‌ها فرو برده است. هر چند که در وقوع این تحولات نمی‌توان نقش عوامل خارجی را نادیده گرفت، با این حال مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی این بی‌ثباتی‌ها را هدایت می‌کنند. به نظر می‌رسد که عوامل خارجی نقش حمایت‌کننده و در مواقعی سرعت‌دهنده این تحولات را بازی می‌کنند و چنانچه عوامل داخلی مسبب این بی‌ثباتی‌ها برطرف شوند شاهد تحولاتی از این دست نخواهیم بود. مهمترین عوامل داخلی موثر در بی‌ثباتی‌ها عبارتند از:

۱) تنوع قومی و پراکندگی قومیت‌ها در آسیای مرکزی و قفقاز: این معضل در اکثر کشورهای منطقه وجود دارد و در برخی مناطق مانند قفقاز وضعیت خطرناکتر و تهدیدآمیزتری را رقم زده است و چنانچه دولت‌های منطقه نتوانند راه حلی برای آن بیابند، مشکلات بسیاری برای آنها ایجاد خواهد شد. برای مثال یکی از مهمترین مشکلات گرجستان با روسیه به مساله

در ماه‌های اخیر در میان کشورهای به جا مانده از شوروی سابق موجی از ناآرامی و بی‌ثباتی پدید آمده است. این ناآرامی‌ها و بی‌ثباتی‌های سیاسی در قرقیزستان، گرجستان و اخیراً در مولداوی به وقوع پیوسته است. به این ترتیب بعد از گذشت چهار سال مجدداً بحث انقلاب‌های رنگی در منطقه رونق یافت. اینک به نظر می‌رسد که امواج تغییرات منطقه را فرا گرفته و دولت‌های حاکم بر این جمهوری‌ها روزهای آرامی را در پیش رو نخواهند داشت. در بررسی تحولات این منطقه باید به ریشه‌های این تحولات از آغاز فروپاشی شوروی توجه داشت. در عین حال تحولات موسوم به انقلاب‌های رنگی که در فاصله‌ی سال‌های ۲۰۰۳ الی ۲۰۰۵ در اوکراین، گرجستان و قرقیزستان بوقوع پیوست، با تحولات کنونی در گرجستان و مولداوی و نیز تحولات دسامبر گذشته ۲۰۰۸ قرقیزستان اختلافاتی دارد که در این مقاله به آنها اشاره می‌شود. به این ترتیب مقاله حاضر به بررسی ریشه‌های رویدادهای موسوم به انقلاب‌های رنگی در منطقه از آغاز تا امروز می‌پردازد.

انقلاب رنگی، مفهومی نا مفهوم؟

واژه‌ای که این روزها به طور مداوم در خصوص تحولات منطقه شنیده می‌شود واژه انقلاب‌های رنگی است. با این حال همان‌طور که در زمان وقوع دور اول این انقلاب‌ها در منطقه نیز به آن پرداخته شد، آنچه که در کشورهای گرجستان، اوکراین و قرقیزستان روی داد را نمی‌توان انقلاب محسوب کرد. در همان زمان نیز بسیاری از تحلیل‌گران معتقد بودند که آنچه در این کشورها روی داده، کودتای بدون خونریزی بوده است که در نتیجه آن تنها جابجایی قدرت صورت گرفته است. زیرا انقلاب به مفهوم تحولی اساسی و خشونت‌بار در ساختارهای فکری، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه است. در حالیکه واژه انقلاب رنگی یا مخملی بیانگر انتقال قدرت به آرامی و بدون خشونت و نیز بدون ایجاد تغییرات اساسی در ساختارهای جامعه می‌باشد. در تئوری‌های مربوط به انقلاب نیز وقوع انقلاب نتیجه انباشت نارضایتی در یک دوره طولانی است که به دنبال آن مرحله‌ای جدید از نوسازی کشور و دوره‌ای تازه از تاریخ آن آغاز می‌گردد. (۱)

علل بی‌ثباتی در کشورهای بازمانده از شوروی سابق

با توجه به مطالب بیان شده در بالا این سوال به ذهن می‌رسد که بی‌ثباتی‌های موجود در منطقه ناشی از چه عواملی است؟ بعد از فروپاشی

اوستیای جنوبی باز می‌گردد که جنگ ماه اوت این کشور با روسیه نیز به زعم ساکاشویلی برای حل این بحران صورت گرفت.

۲) بی‌عدالتی اقتصادی، فقر و فساد مالی: یکی از مسائلی که همواره توسط مخالفان دولت‌ها در آسیای مرکزی و قفقاز بیان می‌شود، فساد مالی و اقتصادی مقامات کشور است. بعد از دستیابی این کشورها به استقلال، رشوه خواری و سایر جوانب فساد اداری به راهی مطمئن در جهت تضمین درآمدهای کافی در محیط بی‌ثبات اقتصادی تبدیل شده است. با این وجود ذکر این نکته ضروری است که مبارزه با فساد یک‌شبه امکان ندارد و تلاش گسترده‌ای را می‌طلبد. مشکل فساد اداری یکی از مهمترین مشکلات اجتماعی در میان کشورهای مشترک المنافع می‌باشد و اپوزیسیون در این کشورها نمی‌تواند از طریق شعار با آن مبارزه کند.

۳) نظام‌های اقتدارگرا: رهبران منطقه بعد از فروپاشی تا مدت‌ها حکومت را بدست گرفتند، بدون اینکه تمایلی به واگذاری آن نشان دهند. از طرفی این کشورها به دلیل تمایل به استقلال هرچه بیشتر از روسیه، ساختارهای اقتصادی و اجتماعی خود را با سرعت بیشتری نسبت به ساختارهای سیاسی‌شان توسعه دادند و به تدریج با پیشرفت جامعه نیاز به دموکراسی و ساختارهای دموکراتیک در جامعه احساس شد. این امر نیز زمینه‌ساز اعتراض و مخالفت‌ها در این جوامع گردید. (۳)

انقلاب‌های رنگی، دیروز و امروز!

اگرچه آنچه که در کشورهای اوکراین، گرجستان و قرقیزستان روی داد را نمی‌توان انقلاب نام نهاد، با این حال این رویدادها از آن جهت که رهبران سابق را برکنار نمود، نوعی تحول عمده در عرصه‌ی سیاسی این کشورها محسوب می‌شود. ولی به نظر می‌رسد امروزه این انقلاب‌ها خود به معضلی برای دموکراسی تبدیل شده‌اند. انقلاب‌های رنگی که از ابتدا برای برقراری آزادی، دموکراسی و از بین بردن فساد در سطوح بالای ساختار سیاسی این جوامع بوجود آمده بودند، اینک با ایجاد بی‌ثباتی‌های دوره‌ای و بدون هدف مانع شکل‌گیری سیاست‌های باثبات و حتی پیشرفت کشورهای منطقه خواهند شد. آنچه که نگرانی‌ها در خصوص اوضاع این منطقه را تشدید می‌کند این است که اعتراضاتی این چنینی در حال تبدیل شدن به یک عرف در این کشورهاست و هر چند ماه یک‌بار به بهانه انتخابات، ادعای فساد مقامات کشوری و... این کشورها به حالت نیمه تعطیل درمی‌آیند. این در حالی است که مشخص نیست اپوزیسیون‌ها تا چه حد کارآیی داشته باشند و یا دچار فساد نشوند. به نظر می‌رسد رهبران این گروه‌های مخالف که همه‌ی آنها در زمان انقلاب اول با مقامات کنونی کشور متحد بودند، اینک به امید کسب قدرت سعی در برکناری دولت‌ها دارند. رهبران مخالفان نیز اغلب با یکدیگر اختلاف دارند و برنامه‌ای نیز برای هدایت اعتراضات و نیز در صورت سقوط دولت، برای اداره‌ی حکومت ندارند و بیم آن می‌رود که هرگونه تغییر در

این کشورها به ناآرامی‌ها و کشمکش‌های بیشتر برای کسب قدرت بیانجامد. به عنوان مثال در گرجستان اگرچه رهبران مخالفان در خصوص ضرورت استعفای ساکاشویلی اتفاق نظر دارند، ولی در خصوص اینکه چه کسی باید جانشین وی باشد و نیز شرایط پس از استعفای او هیچ برنامه‌ای ندارند. (۴) همچنین در حالی که از سال گذشته بحران اقتصادی گسترده‌ای در جهان شکل گرفته و بسیاری از کشورها درصدد هستند که تبعات منفی این بحران را برای خود به حداقل برسانند، این گونه بحران‌های سیاسی می‌تواند چالش‌های اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را تشدید و روند توسعه را در آنها کندتر نماید. بحران اقتصادی کنونی همچنین می‌تواند نارضایی عمومی را در منطقه گسترش داده و در کشورهایی که تاکنون امواج این انقلاب‌ها به آنها نرسیده بود نیز تحول ایجاد کند. چنانکه از ماه دسامبر سال گذشته مشکلات اقتصادی و بحران انرژی در قرقیزستان دولت این کشور را در شرایط بحرانی قرار داده و اعتراضات خیابانی را بوجود آورد. (۵)

در خصوص دخالت خارجی در بحران‌های این منطقه نیز ذکر این نکته ضروری است که این دخالت‌ها بیشتر به شکل غیرمستقیم صورت گرفته است. در حقیقت قدرت‌نمایی آمریکا و غرب در قالب ناتو در برابر جریان روسیه، چین و پیمان شانگهای در حال شکل دادن جنگ سرد جدیدی در منطقه است که تحولات اخیر این منطقه در قالب آن قابل توجیه‌تر است.

نتیجه‌گیری

آنچه که امروز در کشورهای به جا مانده از فروپاشی شوروی به شدت مورد نیاز است دولت‌های قوی و با ثبات همراه با دموکراسی و آزادی‌های عمومی است. آنچه که می‌تواند آینده‌ی این کشورها را در منطقه‌ی شدیداً مورد رقابت قدرت‌های بزرگ تامین کند، ثبات و تلاش برای توسعه و پیشرفت در این کشورهاست. امروز رهبران این کشورها، اپوزیسیون و مردم چنانچه درگیر بازی‌های روسیه و ناتو نشوند و سعی در تامین منافع ملی خود داشته باشند می‌توانند کشورهای خود را به آرامش و پیشرفت برسانند؛ ولی اگر بازی خورده‌ی رقابت ابرقدرت‌ها شوند، احتمالاً منطقه شاهد گسترش ناآرامی و بی‌ثباتی خواهد بود.

کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- مهدی سنایی، انقلاب‌های آرام و رابطه‌ی آن با ساختارهای سیاسی موجود، فصلنامه‌ی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره‌ی ۴۷، پائیز ۱۳۸۴، ص ۱۱۲
- ۲- مصطفی آیدین، ریشه‌های داخلی بی‌ثباتی در آسیای مرکزی و قفقاز، فصلنامه‌ی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره‌ی ۳۶، زمستان ۱۳۸۰، ص ۲۱۹
- ۳- همان، ص ۲۲۵

4-www.iras.ir.87/9/12 - 5- www.iras.ir.88/1/27